

باشم تا همسرم یا بچه ها از بیرون به خانه بیایند و به من کمک کنند... وقتی فردی از زیبایی یک منظره ای تعریف می کند حسرت ندیدن را نمی خورید؟

زمانی که جانباز شدم حدود ۲۴ سال داشتم و قبل از آن مناظر زیبا دیده بودم و اگر چه دوست دارم که می دیدم ولی چون برای رضای خدا بوده است خیلی غصه نمی خورم و مشکلات را هم تحمل می کنم. ماجرای ازدواج خانم محترم تقی پور همسر آقای علی اصغر جهاد را سوال می کنم و این که چگونه حاضر شده است با او ازدواج کند، شنیدنی است او می گوید:

### نگاه مردم به خانواده شهدا و جانبازان به نسبت دوران دفاع مقدس چه تفاوتی کرده است؟

آن زمان تبلیغات هم برای رسیدگی به جانبازان و خانواده های شهدا بود و از یک مسجد که قرار بود رزمندگان و جانبازان و خانواده های شهدا چون مردم آن موقع برای رزمندگان و جانبازان و خانواده های شهدا ارزش و احترام قائل بودند اما حالا دیگر مردم به خانواده شهدا و جانبازان کم توجه شده اند، آقای جهاد یک روز برای انجام کاری به یکی از ادارات رفته بود یکی از کارمندان گفته بود از کجا بدانیم که شما جانباز هستید به اندازه ای که حرف های مردم ما را اذیت می کند جانبازی شوهرم اذیت نمی کند چون شوهرم اجرش را می برد. دلیل اش هم این است که مردم سرگرمی دیگری ندارند و با نگاه کردن به فیلم های سینمایی و ماهواره نگاه شان عوض شده است.

### کلام آخر؟

افراد که کتاب تاریخ دفاع مقدس را می نویسند با رزمندگان صحبت کنند و براساس واقعیت بنویسند اگر جاهایی در جبهه شکست می خوردیم یا زمین گیر می شدیم، ممکن بود عملیات لو رفته باشد، آن ها را نیز بنویسند.

### شما از ابراز علاقه نسبت به این که با یک جانباز ازدواج کنید صحبت کردید، فکر می کنید جامعه امروز با جامعه آن روز ما چه فرقی کرده است؟

جامعه تغییر کرده است آن روز دختر ها آرزو داشتند همسر یک پاسدار یا جانباز شوند اما امروز ملاک های انتخاب همسر عوض شده و ملک و ماشین آنچنانی است و فکر نمی کنم دیگر بتوانیم به شرایط و فرهنگ آن زمان برگردیم، تصور می شد که وقتی جنگ تمام شود و رزمندگان از میدان دفاع به شهرها برگردند وضعیت شهرها بهتر خواهد شد ولی این گونه نشد چون این مردم هستند که می توانند جامعه را تغییر دهند چون سرنوشت مردم به دست خودشان تغییر می کند و تنها رزمندگان نمی توانند وضعیت فرهنگی و اجتماعی شهر ها را تغییر دهند. آن ارزش و احترامی که در گذشته برای جانبازان قائل بودند به فراموشی سپرده شده است. دشمن هم همین را می خواهد این که فرهنگ ایثار و شهادت به فراموشی سپرده شود یا این که حجاب دختر ها و پسر ها وضعیت مناسبی ندارد، نمی دانم چه کسی باید رسیدگی کند از یک طرف می گویند این نوع لباس ها مناسب نیست ولی نمی دانم چطوری این لباس ها که بیشتر آن ها خارجی است وارد کشور و بازار می شود.

### آقای جهاد رابطه شما با همسر شما چطور بوده؟

تاکنون ۳۰ سال از زندگی مشترک ما می گذرد و مشکلی نداشته ایم و زندگی ما با روزهای اول فرقی ندارد البته زمانی که ازدواج کردیم جانباز بودم و همسر با چشمانی باز انتخاب کرد هر چند اگر همسر یک جانباز نبود رفاه، آسایش و امکانات بیشتری می داشت ولی الان با مشکلات و دشواری ها کنار می آید، همسر مثل بقیه دوست دارد کنار شوهرش سوار خودرو شود و به تفریح برود اما من وقتی داخل منزل راه می روم و حتی اگر یک لیوان سر راه باشد نمی بینم که از روی لیوان عبور نکنم یا زمین نخورم بنابر این همسر برای مراقبت از من جایی نمی رود چون من نمی توانم با آن ها بروم. همسر آقای جهاد نیز می گوید: همسر ایشان بودن برایم افتخار و سعادت است البته در زندگی سختی هایی داشته ایم ولی وقتی فکر می کنم که هدف ما رضای خداوند بوده سختی ها کم می شود. البته فرزندانم نیز کمک خوبی بوده اند پسر من که متولد ۶۷ است از کوچکی به شدت به پدرش علاقه مند بود، هنوز هم یک لحظه از پدرش غافل نمی شود و اگر پدرش بخواهد تا بنیاد برود اول پدر را هر جا بخواهد برود می برد بعد به دنبال کار خود می رود او عصای دست پدر است...

### یکی از خاطره هایی که خیلی به سختی افتادید؟

آقای جهاد سال ۸۸ به خیابان روبرو رفته بود تا خریدی را انجام دهد هنوز مقداری دید داشت بعد از یک ساعت که گذشت و برگشت رفتم سر خیابان. یکی از همسایه ها گفت آقای جهاد تصادف کرد و او

